

تحلیل آثار مخارج تأمین اجتماعی بر بهره‌وری
نیروی کار و رشد اقتصادی در ایران

دکتر بیژن باصری^{۲۱}

پوریا عمادی^۳

تاریخ ارسال: ۱۳۸۸/۳/۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۶/۱۰

چکیده

همواره میان رشد و توسعه اقتصادی از طریق افزایش توان تولیدی و سیاست‌های تأمین اجتماعی هر کشور رابطه مستقیمی وجود دارد. رشد و توسعه اقتصادی بدون گسترش نظام تأمین اجتماعی به سختی قابل تحقق است. نظام‌های تأمین اجتماعی نقش عمده‌ای در حمایت از شاغلان و فراهم نمودن زمینه لازم برای مشارکت آنها در رشد اقتصادی ایفا می‌کنند. این سازمان از طریق تأمین بخشی از هزینه نیروی کار و حمایت از گروه‌های آسیب پذیر در بهبود توزیع درآمد نقش دارد. این پژوهش، رابطه میان مخارج تأمین اجتماعی و رشد اقتصادی در ایران را در دوره زمانی ۱۳۵۴-۱۳۸۵ با استفاده از الگوهای اقتصادسنجی مورد بررسی قرار دهد. یافته‌ها نشان می‌دهد ضریب اثرگذاری مخارج سرانه تأمین اجتماعی بر بهره‌وری نیروی کار در کوتاه‌مدت دو درصد (۰/۰۲) و ضریب آن در بلندمدت پنج درصد (۰/۰۵) است. مخارج تأمین اجتماعی از طریق غلبه بر مخاطرات ناشی از بیماری، از کارافتادگی، کهولت، بیکاری، فقر معیشتی و کاهش نااطمینانی و مخاطرات حین کار و پس از آن و همچنین ایجاد محیط امن برای عوامل تولید بر متغیر رشد اقتصادی اثر بخش است. با توجه نقش مثبت مخارج تأمین اجتماعی بر رشد اقتصادی، سازمان تأمین اجتماعی می‌تواند با بهبود خدمات، اجرای تعهدات مربوطه و ارتقای کیفیت خدمات، بهره‌وری نیروی کار و به دنبال آن رشد اقتصادی را در بلندمدت افزایش دهد. در این راستا ضروری است این سازمان برای ارتقای بهره‌وری نیروی کار سطح پوشش این نوع بیمه‌ها را گسترش داده و بهبودی اصولی در کیفیت خدمات خود ایجاد نماید.

واژگان کلیدی: هزینه‌های تأمین اجتماعی، رشد اقتصادی، بهره‌وری نیروی کار.

طبقه‌بندی JEL: H۵۵، J۲۴، O۴۰

۱. استادیار دانشکده اقتصاد و حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، bbaseri@gmail.com.

۲. کارشناس ارشد اقتصاد از دانشکده اقتصاد و حسابداری واحد تهران مرکزی.

۱. مقدمه

امروزه تأمین اجتماعی به عنوان یکی از نیازهای اساسی و حیاتی هر جامعه‌ای تلقی می‌شود. به نحوی که کشورهای مختلف جهان، موفق‌ترین خدمات خود را ایجاد و توسعه نظام تأمین اجتماعی قوی و کارآمد می‌دانند. عدم توجه به موضوع تأمین اجتماعی به عنوان یکی از نقاط ضعف دولت‌ها تلقی شده و باعث نارضایتی وسیع اجتماعی می‌شود. بیشتر صاحب‌نظران اقتصادی معتقدند توجه به تأثیر قطعی و مهم تأمین اجتماعی بر بهره‌وری نیروی کار و تأثیر متقابل بین رشد و توسعه اقتصادی و تأمین اجتماعی تخصیص منابع به این‌گونه خدمات، از اهمیت و ضرورت خاصی برخوردار بوده و بررسی اقتصادی تأمین اجتماعی، حداقل در زمینه تأثیر متقابل و تخصیص منابع اهمیت ویژه‌ای خواهد داشت. مسأله تأمین اجتماعی و نحوه ارائه خدمات آن، یک مسئله اقتصادی و اجتماعی مورد توافق سیاست‌گذاران و دولتمردان است که علاوه بر اثرگذاری‌های اجتماعی باید آن را از جنبه‌های اقتصادی نیز مورد مطالعه قرار داد. توجه نظریه‌های اقتصادی به تأمین اجتماعی و بررسی هزینه و فایده سیاست‌های دولت در زمینه تأمین اجتماعی می‌تواند چالش‌های موجود را مرتفع نماید. مفاهیم تأمین اجتماعی در بیشتر موارد مترادف با رفاه اجتماعی، مساعدت‌های اجتماعی، خدمات اجتماعی، خدمات امدادی یا بیمه‌های اجتماعی به کار می‌روند. با توجه به گستردگی مفاهیم تأمین اجتماعی خدمات تأمین اجتماعی در کشورهای مختلف متفاوت بوده و هر کشور بر اساس شناخت نیازهای خود و سطح توانایی و توان پرداخت بیمه‌شدگان گستره حمایت‌های اجتماعی را تعیین می‌کنند. تأمین به مفهوم حمایت در مقابل مخاطرات و نااطمینانی و اجتماعی رابطه آن را با شرایط تاریخی و اجتماعی و جغرافیایی یک جامعه نشان می‌دهد. اگر مشکلاتی در دریافت درآمد افراد به علت بیماری، از کارافتادگی و سالمندی یا بیکاری و نگهداری خانواده (عائله‌مندی) پدید آید در آن صورت حمایت افراد از جنبه تأمین یا درآمد بر دوش نهاد تأمین اجتماعی است.^۱ اصل ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز این موضوع را تصریح نموده است. براین اساس دولت موظف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمد حاصل از مشارکت مردم خدمات و حمایت‌های مالی را برای یکایک افراد تأمین نماید.^۲

برخی نظام‌های بیمه‌ای بر مبنای اشتغال و کسب درآمد افراد جامعه شکل گرفته است. در این نظام‌ها طرح‌های بیمه اجتماعی، صندوق‌های احتیاط و مشارکت مالی بیمه‌شدگان و مشارکت کارفرماها و دولت منابع مالی مورد نیاز را فراهم می‌کند. برخی نظام‌های بیمه‌ای متکی بر اقامت شهروندان به صورت عام و همگانی است. این نظام‌ها کلیه اقشار آسیب‌پذیر اجتماعی را که توانایی تأمین معیشت خود و خانواده را ندارند شامل می‌شود. نظام‌های امدادی بیمه‌ای نیز متکی به کمک‌ها و مساعدت دولت‌ها در سطح ملی و بین‌المللی در شرایط اضطراری و بروز حوادث غیرمترقبه شامل می‌شود. در تمام نظام‌های بیمه‌ای یاد شده مخاطره اخلاقی^۳ وجود دارد. در بحث بیمه‌های اجتماعی اجباری بیمه را این‌گونه تفسیر می‌کنند که افراد پول و دارایی خود را عقلانی مدیریت نمی‌کنند و این موضوع افراد را با تنگدستی و نداری مواجه می‌کند. در مورد بیمه‌های خصوصی ممکن است بازارها در برخی موارد ناکارآمد عمل کنند اما در برابر بیمه‌های ناشی از بیکاری ناشی از وضعیت اقتصادی یک کشور در دوران رکود اقتصادی و بروز بحران‌ها بیمه‌های خصوصی عملکرد مناسبی نخواهند داشت.^۴ بحث دوراندیشی افراد نیز از موضوعات مطرح شده در این زمینه است که طرفداران فلسفه فردگرایی به شدت با آن مخالفند. صرفه‌جویی در هزینه تصمیم‌گیری در نظام‌های تأمین اجتماعی اجباری توسط دولت از جمله استدلال‌های به نفع نظام تأمین اجتماعی است. در اقتصادهای فقیر و دارای نرخ بالای بیکاری بازارهای غیررسمی اشتغال پدید می‌آید. نظام‌های تأمین اجتماعی در این کشورها با چالش‌های بسیاری مواجه هستند. براین اساس نظام‌های تأمین اجتماعی رابطه میان افراد و دولت را از نظر حمایت‌های اجتماعی تعیین می‌کنند و می‌تواند در بهبود وضعیت فقرا، شاغلان، گروه‌های آسیب‌پذیر

۱. پناهی، ۱۳۷۸ و موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، ۱۳۷۸

۳. ستاری فر، ۱۳۷۸

^۲. *Moral Hazard*

۵. *Harvey*, ۱۹۸۸

و همچنین بازتوزیع درآمد بین افراد مؤثر باشد. در گذشته نظام‌های تأمین اجتماعی به دنبال کاهش فقر، فراهم نمودن نیازهای ضروری، جایگزینی و حفظ درآمد، جبران خسارت، توزیع مجدد درآمد بودند. اما امروزه هدایت افراد به سوی کار و اشتغال، تربیت کارفرمایان بالقوه، تغییر رفتار اقتصادی و اجتماعی شاغلان، ایجاد انگیزه و تشویق عملکرد افراد، اعطای استقلال به نیروی کار، پیشبرد خانواده‌های متمرکز و گسترش نرخ مشارکت نیروی کار است.

این پژوهش رابطه میان مخارج تأمین اجتماعی و رشد اقتصادی را ارزیابی و درصدد پاسخگویی به این پرسش است که تأثیرگذاری هزینه تأمین اجتماعی بر رشد اقتصادی و بهره‌وری نیروی کار در اقتصاد ایران چگونه و در چه جهتی می‌باشد. ابتدا مطالعات خارجی و داخلی و سپس، شدت رابطه میان هزینه‌های تأمین اجتماعی و رشد اقتصادی را مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌دهیم.

۲. وضعیت تأمین اجتماعی در ایران

فعالیت‌های مربوط به نظام تأمین اجتماعی در ایران در قالب خدمات حمایتی (غیربیمه‌ای) و بیمه‌ای توسط سازمان و مراکز متعدد دولتی و غیردولتی انجام می‌شود. خدمات حمایتی (غیربیمه‌ای) به مجموعه‌ای از تدابیر و فعالیت‌های مددکاری، مشاوره‌ای و سایر خدمات اجتماعی و توانبخشی گفته می‌شود که به منظور ارتقای نیازهای اساسی گروه‌های کم‌درآمد صورت می‌گیرد. سازمان‌های فعال در این زمینه سازمان بهزیستی کشور، کمیته امداد امام خمینی (ره)، بنیاد شهید و امور ایثارگران و جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران هستند. خدمات بیمه‌ای بر اساس مشارکت بیمه‌شدگان، کارفرماها و دولت شکل می‌گیرد و شامل بیمه خدمات درمانی، بازنشستگی، از کار افتادگی، بیکاری، حوادث ناشی از کار، فوت، ایام بارداری و کمک هزینه عائله‌مندی می‌شود. سازمان‌های فعال در این زمینه عبارتند از سازمان تأمین اجتماعی، سازمان بیمه خدمات درمانی و سازمان بازنشستگی کشوری.

جدول ۱- بیمه‌شدگان اصلی تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی بر حسب جنسیت و نوع بیمه در دوره ۱۳۶۵-۱۳۸۵

سال	مرد و زن (هزار نفر)	نرخ رشد	تحت پوشش بیمه دولتی	نرخ رشد	تحت پوشش بیمه غیردولتی	نرخ رشد	سهم بیمه‌شدگان تحت پوشش بیمه غیر دولتی	سهم بیمه‌شدگان تحت پوشش بیمه دولتی
۱۳۶۵	۱۹۶۰	----	۵۳۷	---	۱۴۲۳	---	۷۲/۶	۲۷/۴
۱۳۷۰	۳۳۰۴	۱۱/۱	۸۹۳	۱۱/۰	۲۴۱۱	۱۰/۷	۷۳/۰	۲۷/۰
۱۳۷۵	۵۱۲۰	۱۱/۶	۹۴۳	۹/۲	۴۱۷۷	۱/۱	۸۱/۶	۱۸/۴
۱۳۸۰	۶۳۶۶	۵/۷	۸۳۸	۴/۴	۵۵۲۴	-۲/۳	۸۶/۸	۱۳/۲
۱۳۸۴	۷۴۵۵	۳/۵	۸۸۷	۳/۲	۶۵۶۸	۱/۱	۸۸/۱	۱۱/۹
میانگین نرخ رشد	-----	۸/۴	-----	۷/۳	-----	۲/۷	۸۳/۰	۱۷

ماخذ: مرکز آمار ایران سالنامه آماری ۱۳۸۵،

نگاهی به جدول ۱ نشان می‌دهد بیمه‌شدگان اصلی تحت پوشش نظام تأمین اجتماعی در دو دهه اخیر از رشد قابل توجهی برخوردار بوده‌اند و از ۱۹۶۰ هزار نفر به ۷۴۵۵ هزار نفر در سال ۱۳۸۴ افزایش یافته است. میانگین نرخ رشد سالانه بیمه‌شدگان تحت پوشش تأمین اجتماعی ۸/۴ درصد بوده است. آنچه آمار نشان می‌دهد کاهش نرخ رشد بیمه‌شدگان اصلی تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی است که در دهه‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ از رشد قابل توجهی برخوردار بوده است اما در دهه‌های بعد نرخ رشد آن از ۱۱ درصد به ۵/۷ در ۱۳۸۰ و سپس، به ۳/۵ درصد در سال ۱۳۸۴ افزایش یافته است.

در ایران بیشتر بیمه‌شدگان تحت پوشش بیمه‌های غیردولتی بوده‌اند. سهم بیمه‌شدگان بیمه‌های غیردولتی از ۷۳ درصد در سال ۱۳۶۵ به ۸۸ درصد در سال ۱۳۸۴ افزایش یافته است. این افزایش قابل توجه نشان می‌دهد که بیمه‌شدگان تحت پوشش بیمه‌های غیردولتی شامل شرکت‌ها و فعالان بخش خصوصی روند رو به رشدی را تجربه نموده و دارای سهم فزاینده‌ای در اقتصاد است. علت اصلی افزایش پوشش بیمه‌ای در سال‌های اخیر اجباری شدن بیمه، افزایش سطح اشتغال در بخش‌های دولتی و خصوصی، بهبود وضع درآمدی افراد، افزایش قابل توجه بنگاه‌های فعال در عرصه اقتصاد، افزایش سطح آموزش و آگاهی مردم از منافع بیمه و نقش دولت در تأمین هزینه‌های مالی و کمک به نهادهای بیمه‌ای می‌باشد. سهم بیمه‌شدگان تحت پوشش بیمه‌های غیردولتی روندی کاهشی و نزولی را نشان می‌دهد. ارزیابی شاخص نسبت جمعیت تحت پوشش تأمین اجتماعی به جمعیت شاغل کشور به عنوان یک شاخص کلیدی در سال ۱۳۸۵ نشان می‌دهد که عملکرد این شاخص ۶۰/۶ درصد است که تا سطح مطلوب آن شکاف قابل ملاحظه‌ای وجود دارد^۱. شاخص مهم دیگر بخش بیمه‌ای، شاخص بیمه درمان است که این شاخص نسبت جمعیت تحت پوشش بیمه درمان به جمعیت کل کشور را نشان می‌دهد و عملکرد این شاخص در سال ۱۳۸۵ برابر ۸۷ درصد است. این شاخص نیز به‌رغم بالابودن تا سطح مطلوب شکاف قابل ملاحظه‌ای را نشان می‌دهد و کیفیت خدمات ارائه شده جای تأمل دارد.

در بخش‌های غیربیمه‌ای در سال ۱۳۸۵، ۴۷۰۰ هزار نفر تحت سرپرستی کمیته امداد امام خمینی(ره) و سازمان بهزیستی کشور است و ۱۱۲۰ خانوار تحت پوشش طرح مددجویی کمیته امداد امام و ۶۶۱ هزار خانوار تحت پوشش طرح شهید رجایی می‌باشد. در برنامه اشتغال و

۱. گزارش اقتصادی سال ۱۳۸۵، معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی

کارآفرینی علاوه بر اختصاص وام‌های خود اشتغالی به اینترگران، هزینه بخشودگی حق بیمه کارفرمایان برای مشارکت آنان در طرح‌های خود اشتغالی اقدام شده است. عملکرد بودجه‌ای اعتبارات بخش بیمه‌ای حدود ۱۰/۸ هزار میلیارد عملکرد بیمه‌ای بوده است.^۱ ایجاد اشتغال برای ۱۳۶۰۰۰ نفر با اعتباری برابر ۱۴۰۰ میلیارد ریال، احداث ۵۵۰۰۰ واحد مسکونی با اعتباری معادل ۳۹۰ میلیارد ریال از جمله اقدامات مهم صورت گرفته در سال ۱۳۸۵ است.

به‌رغم افزایش روند بیمه‌های اجتماعی، چالش‌های بیمه‌ای در ایران متعدد و فراوان است. بیمه‌های اجتماعی روستاییان و عشایر به دلیل اختیاری بودن و وجود موانع اجرایی نسبت به هدف‌های برنامه عقب‌تر است. اگرچه در سال‌های اخیر کمیت آمارهای بیمه‌ای رو به افزایش است، اما کیفیت خدمات درمانی بیمه‌ای به دلیل مشکلات مدیریتی و کمبود منابع مالی محقق نشده است. کیفیت خدمات ارائه‌شده، عدم آگاهی کافی از منافع انواع بیمه‌ها و عدم پوشش بیمه‌ها به‌ویژه در مناطق روستایی از جمله مشکلات بیمه‌ای در ایران است.

۳. پیشینه پژوهش

تأمین اجتماعی از طریق آثاری که بر متغیرهای مختلف اقتصادی و اجتماعی دارد، رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. افزایش تقاضا برای کالاها مورد نیاز افراد یکی از تأثیرات گسترش پوشش‌های تأمین اجتماعی است، چون کمک‌های نقدی تأمین اجتماعی به هزینه مصرفی افراد تخصیص داده می‌شود. اگر در جامعه‌ای نظام تأمین اجتماعی وجود نداشته باشد، افراد قسمتی از درآمد خود را برای مقابله با خطرات احتمالی، پس‌انداز خواهند کرد، اما با وجود تأمین اجتماعی و آسودگی خیال بیشتر افراد، میزان پس‌انداز خود را کاهش و بر میزان تقاضا افزوده می‌شود، از این رو می‌توان ادعان داشت که تأمین اجتماعی از طریق ایجاد تقاضا برای کالا و خدمات به رشد اقتصادی کمک خواهد کرد.

نظام‌های تأمین اجتماعی از طریق توزیع مجدد درآمد در کاهش شکاف درآمدی نقش مهمی ایفا می‌کنند. از لحاظ تأثیر این عامل بر رشد اقتصادی برخی از نظریه‌پردازان توزیع مجدد درآمدها را ناقص رشد اقتصادی و برخی آن را محرک رشد اقتصادی می‌دانند. گروهی هزینه‌های تأمین اجتماعی را انتقال ثروت از گروه‌های پردرآمد به فقرا و باعث بهبود سطح کلی پس‌اندازها و به‌دنبال آن افزایش رشد اقتصادی می‌دانند. گروه دیگری از نظریه‌پردازان استدلال می‌کنند که سیاست‌های مبتنی بر توزیع مجدد درآمد از اقشار ثروتمند به سمت اقشار فقیر، باعث کاهش محدودیت‌های اعتباری در دهک‌های پایین درآمد نسبت به دهک‌های بالای درآمدی شده و این موضوع به تشکیل سرمایه بیشتر و افزایش رشد اقتصادی کمک می‌کند. با توجه به تأثیر نابرابری و فقر در افزایش سطح بزهکاری‌های اجتماعی و آثار منفی آن بر زندگی خانوارها، استقرار یک شبکه جامع تأمین اجتماعی، باعث کاهش مخالفت‌های سیاسی و نارضایتی‌های اجتماعی ناشی از فقر و نابرابری می‌شود. چون یکی از اهداف نظام تأمین اجتماعی کاهش فقر، افزایش ثبات سیاسی جامعه و به شکل غیرمستقیم بهبود کارایی اقتصادی است.

تأمین اجتماعی با برقراری حمایت‌های مختلف از جمله درمان، حمایت‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت، نقش به‌سزایی در بهبود شاخص‌های توسعه انسانی به عنوان یکی از مسائل مهم و زیرساختی توسعه یک کشور دارد. مفهوم توسعه انسانی در واقع گویای آن است که هدف اصلی توسعه، اعتلای شأن و ارزش‌های انسانی و بهبود شرایط زیستی انسان است. برای نیل به این مهم برپایی نظام تأمین اجتماعی، اساسی‌ترین و زیربنایی‌ترین گام است. تأمین اجتماعی به معنای حراست و پشتیبانی از افراد جامعه در برابر مصایب و مشکلات و پریشانی‌های اقتصادی و اجتماعی است و نوعی سرمایه‌گذاری بین نسلی محسوب می‌شود. بدین ترتیب تأمین اجتماعی بخش جبران‌ناپذیر توسعه پایدار است. به‌ویژه که هدف نهایی توسعه بهبود وضعیت مادی و معنوی انسان است. تأمین اجتماعی به بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی نیروی کار کمک و نقش اساسی در بسترسازی و توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور دارد.

در این زمینه، پژوهش‌های انجام شده آثار مثبت هزینه‌های تأمین اجتماعی بر رشد اقتصادی در بلندمدت را تأیید می‌کند. برخی مطالعات آثار مخارج تأمین اجتماعی بر رشد اقتصادی را مثبت و نقش آن را با اهمیت تلقی کرده‌اند. گالسن^۱ مخارج تأمین اجتماعی و رشد اقتصادی را در یک دوره در چهل کشور (۲۰ کشور توسعه یافته، ۱۰ کشور در حال توسعه، ۱۰ کشور توسعه نیافته) مقایسه و در بیست کشور توسعه یافته مخارج تأمین اجتماعی را مهم‌ترین متغیر و حتی بیشتر از نرخ رشد کار و سرمایه با رشد ستاده مرتبط دانسته‌اند. در ده کشور در حال توسعه ساختار سرمایه مهم‌ترین متغیر توضیح‌دهنده و با نرخ رشد سالانه تأمین اجتماعی به‌طور موثری مرتبط بوده است. در کشورهای توسعه نیافته مخارج تأمین اجتماعی در مورد ستاده و نرخ رشد توضیح سازگار و متناسبی را نشان نمی‌دهد؛ زیرا عامل کار و سرمایه با رشد اقتصادی از ارتباط مستحکمی برخوردار نبوده‌اند.

برخی نظریه‌ها آثار هزینه‌های تأمین اجتماعی را بر انباشت سرمایه فیزیکی مورد تأکید قرار داده‌اند. لامپمن^۲ هزینه‌های تأمین اجتماعی را از منظر ذخایر انباشت سرمایه و نقش آن در گسترش منابع رشد اقتصادی در فیلیپین بررسی کرده است. براساس نتایج پژوهش وی ذخایر تأمین اجتماعی منبعی اساسی در شکل‌گیری سرمایه و عامل مشارکت‌کننده‌ای در رشد اقتصادی محسوب می‌شوند و تغییر در آن باعث ازدیاد نرخ رشد اقتصادی می‌شود. پارک^۳ معتقد است نظام تأمین اجتماعی در کره جنوبی در توزیع مجدد درآمد، افزایش سطح درآمد قابل تصرف، بالا رفتن مخارج مصرفی و ارتقای سطح تولید ناخالص ملی نقش داشته است. ابریل^۴ پس‌انداز تأمین اجتماعی را دارای آثار مثبتی بر سطح مصرف و ستانده در آمریکا دانسته است. در این راستا، سازمان جهانی کار^۵ نیز آثار هزینه‌های تأمین اجتماعی را با رشد بهره‌وری نیروی کار، ایجاد تحرک شغلی، توزیع مجدد درآمد و رشد اقتصادی مثبت دانسته است. باتر^۶ از منظر پس‌انداز ملی طرح‌های تأمین اجتماعی را عاملی در جمع‌آوری منابع سرمایه‌ای در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه دانسته است. بنابراین، از منظر انباشت سرمایه، ذخایر تأمین اجتماعی عاملی مثبت و سازنده در رشد اقتصادی محسوب می‌شود.

دکور و پادیسون^۷ بر اساس قواعد سوددهی تأمین اجتماعی، رشد اقتصادی و نابرابری، تعادل بین تأثیرات رشد برنامه‌های درآمدی، نرخ رشد اقتصادی و توزیع درآمد را در یک اقتصاد بسته بررسی و نقش تصمیم‌های فردی در تحصیلات و رشد اقتصادی را تحلیل نموده است. در این پژوهش، سه قانون متفاوت سوددهی تأمین اجتماعی، رشد اقتصادی و نابرابری از هم تفکیک می‌شود. وی براساس سوابق درآمدهای کلی و جزئی بیمه‌شوندگان تأمین اجتماعی نشان می‌دهد تأمین اجتماعی نرخ رشد اقتصادی بلند مدت را افزایش و نابرابری‌ها را کاهش می‌دهد.

کمنتز^۸ اثر رشد اقتصادی بر تأمین مالی هزینه‌های اجتماعی را با توجه به نقش سرمایه انسانی براساس مدل لوکاس بررسی کرده و معتقد است نظام تأمین اجتماعی در مشارکت و رهبری رشد اقتصادی نقش برجسته‌ای ایفا می‌کند. بلتینی و سرون^۹ با تأیید ارتباط تجربی بین مخارج اجتماعی و رشد اقتصادی در تحلیلی تطبیقی در نمونه‌ای متشکل از ۶۱ کشور، ۲۰ کشور صنعتی را به عنوان نمونه انتخاب و دریافتند رابطه معنادار و مثبتی بین هزینه‌های تأمین اجتماعی و رشد اقتصادی وجود دارد، در تحلیل تطبیقی آنها ضریب اثرگذاری هزینه‌های تأمین اجتماعی بر رشد اقتصادی در کشورهای توسعه یافته بیشتر از کشورهای فقیر است. آنها نقش مثبت هزینه‌های تأمین اجتماعی بر رشد

^۱ - Galenson, ۱۹۶۸

^۲ - Lampman, ۱۹۶۸

^۳ - Park, ۱۹۷۵

^۴ - Ebril, ۱۹۹۰

^۵ - ILO, ۱۹۹۳

^۶ - Butare, ۱۹۹۴

^۷ - Paddison & Docquie, ۲۰۰۳

^۸ - Kemnitz, ۲۰۰۰

^۹ - Belletini & Ceroni, ۲۰۰۵

اقتصادی را به‌ویژه از منظر تشکیل سرمایه‌های انسانی مورد تأکید قرار داده‌اند. از این رویکرد، هزینه‌های تأمین اجتماعی آثار مثبتی در شکل‌گیری سرمایه انسانی به‌عنوان یکی از عوامل رشد اقتصادی دارند.

واقعیتی که در تحلیل هزینه‌های تأمین اجتماعی باید به آن توجه داشت این است که مخارج تأمین اجتماعی برای دولت‌ها مخارجی گران‌قیمت بوده و سهم قابل توجهی را در مخارج دولت‌ها به خود اختصاص می‌دهند. در برخی موارد هزینه‌های تأمین اجتماعی عدم تعادل‌های بودجه‌ای را برای دولت‌ها به‌دنبال دارد. این استدلال نیز وجود دارد که مخارج تأمین اجتماعی به شکل مطلوب آن، انگیزه افراد برای دستیابی به شغل را کاهش داده و قدرت رقابت‌پذیری بنگاه‌های اقتصادی را تضعیف می‌کند. زیرا در یک اقتصاد پویا کارفرمایان باید در تأمین مالی هزینه‌های اجتماعی مشارکت گسترده‌ای داشته باشند. در این زمینه بلانچارد^۱ معتقد است مخارج تأمین اجتماعی از طریق کاهش پس‌انداز و کاهش سرمایه‌گذاری و تأثیر بر تولید باعث کاهش سطح اشتغال و رشد اقتصادی می‌شود. چون مخارج تأمین اجتماعی نوعی پاداش کار به شاغلان در ازای دریافت حق بیمه می‌باشد، بر انگیزه کاری افراد تأثیر منفی می‌گذارد. شمای^۲ نیز بر جنبه‌های منفی هزینه‌های تأمین اجتماعی اجتماعی تأکید دارد. وی معتقد است هزینه‌های تأمین اجتماعی موجب بالا رفتن هزینه نیروی کار، افزایش قیمت کالا، کاهش رقابت‌پذیری در بازار و جایگزینی سرمایه به جای کار در فرآیند تولید گردیده و نوعی تخصیص نامطلوب منابع را به دنبال می‌آورد. این موضوع در کشورهایی که ساختار بازار کار آنها انعطاف‌ناپذیر است، بیشتر مشاهده می‌شود. این فرآیند بر کاهش نرخ رشد اقتصادی تأثیر گذارده و مشکلاتی را برای تأمین مالی بیمه‌های اجتماعی به دنبال دارد. در پاسخ به این بحث، کلین و هیگینز^۳ بر این باورند اگر مخارج تأمین اجتماعی از طریق مالیات تأمین مالی شود نه تنها پیامد منفی ندارد بلکه به بهبود توزیع درآمد نیز منجر می‌شود. افزون‌براین، آثار منفی ناشی از نرخ رشد سریع‌تر تأمین اجتماعی از رشد اقتصادی نگران‌کننده نخواهد بود. در این صورت، نرخ رشد هزینه‌های تأمین اجتماعی ارتباط مثبتی با گسترش نرخ رشد اقتصادی خواهد داشت. لازم به ذکر است که تأمین مالی در نظام‌های تأمین اجتماعی از طریق مالیات‌های تصاعدی، مالیات بر ارزش افزوده، مشارکت افراد به شکل پرداختن و رفتن^۴ (پایگ)، روش پرداخت یا اندوخته کامل^۵ و روش اندوخته جزئی^۶ فراهم می‌شود. روش اندوخته کامل در برخی کشورها نظیر کویت استفاده می‌شود.^۷

در پژوهش‌های داخلی پاکباز به بررسی نقش تأمین اجتماعی در ایجاد و گسترش رفاه اجتماعی از طریق افزایش بهره‌وری نیروی کار، بازده تولید و پیشرفت اقتصادی پرداخته و مخارج تأمین اجتماعی را نه تنها مانع توسعه اقتصادی، بلکه از عوامل برانگیزاننده آن می‌داند؛ چون با تأمین این هزینه‌ها، رفاه اجتماعی، کارایی نیروی کار شاغل و بازده تولید افزایش می‌یابد و این خود شرایط توسعه و پیشرفت اقتصادی را فراهم می‌کند. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۷۹، تأثیر هزینه‌های تأمین اجتماعی بر متغیرهای کلان اقتصادی را در دوره ۱۳۵۲ تا ۱۳۷۴ بر رشد اقتصادی تحلیل کرده و به این نتیجه رسیده است مخارج تأمین اجتماعی به افزایش میل نهایی مصرف‌کننده و رشد اقتصادی را افزایش داده است. جلالی نائینی و قرشی (۱۳۷۷) با استفاده از مدل‌های بین‌نسلی و شبیه‌سازی، تأثیرات نظام‌های تأمین اجتماعی را با نظام پرداخت‌های انتقالی بهینه بین نسلی بر پس‌انداز و سرمایه سرانه آزمون کرده و نتیجه می‌گیرد که تأمین اجتماعی می‌تواند تأثیری مثبتی بر سرمایه سرانه داشته و رشد اقتصادی را افزایش دهد.

^۱. Blanchard, ۱۹۸۴

^۲. - Schamahi, ۱۹۸۸

^۳ Klein & Higgins, ۱۹۸۸

^۴ Pay as you go (PAYG)

^۵ Fully Funded

^۶ Partially Funded

^۷ Gillion, ۲۰۰۰

در مجموع، پژوهش‌های مختلف بر نقش هزینه‌های تأمین اجتماعی بر رشد و بهبود ساز و کارهای اقتصادی تأکید داشته‌اند. این اثرگذاری در کشورهای پیشرفته بیشتر از کشورهای در حال توسعه بوده و تابع شرایط اقتصادی آنها است. پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد که همزمان با رشد اقتصادی سهم تأمین اجتماعی در هزینه ملی افزایش و توزیع این هزینه‌ها در میان کشورهای متفاوت تابع شرایط درونی آنها بوده است. با افزایش سهم بنگاه‌ها در اقتصاد بخش عمده‌ای از هزینه‌های تأمین اجتماعی را کارفرماها برعهده می‌گیرند. با توجه به این پژوهش‌ها می‌خواهیم ببینیم هزینه‌های تأمین اجتماعی چگونه فرآیند رشد اقتصادی و بهره‌وری نیروی کار در ایران را تحت تأثیر قرار داده است.

۴. مبانی نظری اثرگذاری تأمین اجتماعی بر رشد اقتصادی

نظام تأمین اجتماعی با رشد اقتصادی ارتباط متقابلی دارد. با توجه به اینکه افراد در مورد درآمدهای آتی خود با ناطمینانی مواجه هستند، این ناطمینانی باعث می‌شود که افراد ناطمینانی‌های آتی و ریسک‌های مربوط به درآمدهای آتی خود را کاهش دهند. از سوی دیگر، افراد نه تنها از درآمدهای حال، بلکه از درآمدهای آینده مطلوبیت کسب می‌کنند. از این نظر ارتباط متقابلی میان رشد اقتصادی، رفاه افراد و اشتغال آنان ایجاد می‌شود. در این زمینه لوکاس (۱۹۸۸) ارتباط میان سرمایه انسانی و رشد اقتصادی و مخارج تأمین اجتماعی را به صورت مدل‌های بین نسلی تحلیل نموده است. به اعتقاد وی نظام تأمین اجتماعی متراکم همراه با رشد اقتصادی بالا در یک فضای رقابتی بسیار مؤثر عمل می‌کند. زیرا در این نظام با سرمایه‌ای که از درآمد مالیات بر نیروی کار به دست می‌آید رشد اقتصادی افزایش می‌یابد. افزون‌براین، مالیاتی که دولت از دستمزد نیروی کار دریافت می‌کند برای سرمایه‌گذاری در برنامه‌های تأمین اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد و به شکل متقابل، افراد در سنین بازنشستگی و دورانی که از نظر کاری فعال نیستند از انباشت دوران فعال کاری خود بهره می‌جویند. این موضوع در قالب مدل‌های بین نسلی تحلیل و ارایه شده است. مطالعات نظری در این خصوص نشان می‌دهد که می‌توان تولید را تابع عامل کار، سرمایه و هزینه‌های جانبی نیروی کار نظیر تأمین اجتماعی در نظر گرفت. این تابع به شکل $Y = F(L, K, S)$ تعریف می‌شود که Y تولید، L نیروی کار، K سرمایه، و S سرمایه‌گذاری‌هایی است که در گذشته برای تأمین اجتماعی صورت گرفته است. این رابطه را می‌توان در قالب رشد متغیرها بیان نمود که در آن نرخ رشد تأمین اجتماعی نرخ رشد اقتصادی را در کوتاه‌مدت و بلندمدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. در کشورهای در حال توسعه که نسبت به کشورهای ثروتمند از سطح درآمد پایین‌تری برخوردارند، ذخایر تأمین اجتماعی باید بر ارتباطات درونی بین تأمین اجتماعی و رشد اقتصادی متکی باشد. با توجه به اینکه ذخایر تأمین اجتماعی منبعی برای شکل‌گیری سرمایه به‌عنوان منبع رشد اقتصادی است، لذا افزایش در آن می‌تواند باعث افزایش در مخارج تأمین اجتماعی شود. آنچه مشخص است هزینه‌های تأمین اجتماعی می‌تواند بهره‌وری نیروی کار را تغییر داده و ناطمینانی‌های مربوط به درآمدهای آتی افراد را کاهش دهد. در این راستا در این پژوهش را الگویی معرفی می‌کنیم که ارتباط میان هزینه‌های تأمین اجتماعی، رشد اقتصادی و بهره‌وری نیروی کار را مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهد.

۵. روش‌شناسی پژوهش و برآورد الگو

فرضیه اساسی پژوهش این است که ارتباط میان هزینه‌های تأمین اجتماعی بر بهره‌وری نیروی کار و نرخ رشد اقتصادی را آزمون و بررسی نماید. هزینه‌های مربوط به پوشش تأمین اجتماعی می‌تواند در بهبود پس‌انداز جامعه، افزایش انباشت سرمایه، بهبود بهره‌وری نیروی کار و افزایش رشد اقتصادی نقش چشمگیری داشته باشد، همان‌طور که در مطالعات نظری و تجربی شدت این اثرگذاری مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفت. در بررسی تأثیر مخارج تأمین اجتماعی بر بهره‌وری نیروی کار و رشد اقتصادی ملاحظه شد که نرخ رشد اقتصادی از نیروی کار فعال، موجودی سرمایه و سطح تأمین هزینه‌های اجتماعی تأثیر می‌پذیرد. در این حالت، می‌توان تابع تولید را در حالت کلی به شکل زیر نمایش داد:

$$Y_t = F(L_t, K_t, SSE_t) \quad (1)$$

که در آن، Y_t مقدار تولید ناخالص داخلی، K_t سرمایه فیزیکی، L_t نیروی کار و SSE_t مخارج تأمین اجتماعی است. با تقسیم طرفین رابطه (۱) بر نیروی کار (L_t)، تابع تولید سرانه به شکل زیر به دست می‌آید:

$$Y_t / L_t = F(K_t / L_t, SSE_t / L_t) \quad (۲)$$

$$y_t = f(k_t, pse_t) \quad (۳)$$

در این تابع، تولید سرانه تابعی از سرمایه سرانه و هزینه‌های تأمین اجتماعی سرانه است. در قالب شکل تابع تولید کاب - داگلاس خواهیم داشت:

$$Y_t = A_t^\alpha K_t^\beta PSE_t^\gamma U_t^{et} \quad (۴)$$

شکل لگاریتمی این تابع به شکل خطی بصورت زیر خواهد بود:

$$\log y_t = \alpha \log A_t + \beta \log k_t + \gamma \log pse_t + e_t \quad (۵)$$

با بسط رابطه ۵، خواهیم داشت:

$$\log Y_t - \log L_t = \alpha \log A_t + \beta(\log K_t - \log L_t) + \gamma(\log PSE_t - \log L_t) + e_t$$

$$y_t - l_t = \alpha_1 + \beta(k_t - l_t) + \gamma(pse_t - l_t) \quad (۶)$$

در رابطه بالا ($y_t - l_t$) لگاریتم نسبت تولید به نیروی کار است که تولید متوسط یا بهره‌وری نیروی کار را نشان می‌دهد. ($k_t - l_t$) لگاریتم نسبت سرمایه‌گذاری فیزیکی به نیروی کار و ($pse_t - l_t$) لگاریتم نسبت مخارج تأمین اجتماعی به نیروی کار را نشان می‌دهد. بنابراین، می‌توان از روابط بالا شکل تبعی مدل مورد استفاده را به صورت زیر بیان نمود:

$$APL_t = F(pse_t, k_t, D_t)$$

مدل بهره‌وری نیروی

APL_t متغیر وابسته مدل و نمایانگر بهره‌وری نیروی کار بوده و به صورت نسبت تولید ناخالص داخلی به تعداد نیروی کار شاغل معرفی شده است. pse_t هزینه تأمین اجتماعی واقعی سرانه نیروی کار شاغل است که به صورت نسبت هزینه تأمین اجتماعی به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶ به تعداد افراد بیمه شده و مستمری‌بگیران تعریف شده است. k_t سرمایه سرانه است که بر اساس نظریه‌های اقتصادی سطح بهره‌وری نیروی کار را متأثر می‌کند و به صورت نسبت سرمایه فیزیکی به نیروی کار تعریف شده است. D_t متغیر مجازی برای سال‌های جنگ مقدار یک و برای سال‌های دیگر مقدار صفر می‌گیرد. دوره مورد مطالعه ۱۳۵۴ تا ۱۳۸۵ است. متغیر انباشت سرمایه برگرفته از برآورد امینی و دیگران (۱۳۸۵) است. همچنین، نوع تحلیل علی و توصیفی و تکنیک مطالعه مبتنی بر الگوهای خود وقفه رگرسیون^۱ است.

۶. تحلیل و تفسیر یافته‌ها

چگونگی تأثیرگذاری مخارج تأمین اجتماعی بر تولید متوسط نیروی کار در دوره ۵۴-۱۳۸۵ برآورد شده و نتایج الگو به شکل زیر ارائه شده است:

$$APL_t = 0.55 + 0.401APL_{t-1} - 0.352APL_{t-2} + 0.15k_t + 0.019pse_t - 0.24D_t$$

$t:$ (۴.۰۶) (۴.۹۷) (-۲.۹۰) (۲.۱۰) (۲.۲۰) (-۲.۲۸)

^۱ Auto Regressive Distributed Lag (ARDL)

بر اساس معیار شوارتز-بیزین (SBC)^۱ وقفه بهینه بهره‌وری نیروی کار به عنوان متغیر وابسته الگو،^۲ برای متغیر سرمایه و هزینه سرانه اجتماعی (pse, k) برابر صفر است. افزون‌براین مدل فاقد همبستگی پیاپی^۳ و واریانس ناهمسانی^۴ بوده و فرم تبعی الگو^۵ نیز فاقد هر گونه مشکلی است. جملات اخلاص نیز به شکل نرمال^۶ توزیع شده‌اند. افزون‌براین، تمام ضرایب متغیرها در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار هستند. می‌خواهیم این فرضیه را از نظر آماری در دوره ۱۳۵۴-۱۳۸۵ آزمون کنیم که هزینه‌های تأمین اجتماعی تا چه اندازه بر بهره‌وری نیروی کار تأثیر دارد. آیا این اثرگذاری در دوره مورد مطالعه معنادار می‌باشد. آماره محاسباتی t به صورت زیر به دست می‌آید:

$$t = \frac{(\hat{\alpha}_1 + \hat{\alpha}_7) - 1}{s_{\hat{\alpha}_1} + s_{\hat{\alpha}_7}} = \frac{(-.401 - .332) - 1}{.080 + .121} = -4.73 \quad (7)$$

از آنجا که قدر مطلق آماره محاسباتی در مدل بهره‌وری نیروی کار (۴.۷۳)، از قدر مطلق مقادیر بحرانی جدول بنرجی، دولادو و مستر در سطح اطمینان ۹۵ درصد برابر با ۳.۱۹ بزرگتر است، فرضیه صفر رد شده و وجود رابطه بلندمدت بین متغیر تولید متوسط نیروی کار به عنوان شاخص بهره‌وری و هزینه تأمین اجتماعی سرانه تأیید می‌شود. لذا، برآورد ضرایب مدل بدون تورش است.

برآوردها نشان می‌دهد یک واحد تغییر در مخارج تأمین اجتماعی بهره‌وری نیروی کار را به میزان ۰.۰۱۹ واحد افزایش می‌دهد. در دوره مورد مطالعه افزایش مخارج تأمین اجتماعی تأثیر مثبتی بر بهره‌وری نیروی کار و رشد اقتصادی داشته است. تأمین اجتماعی با افزایش امید به زندگی، کاهش مخاطرات شغلی، آموزش حین کار شاعلان در فعالیتهای مختلف، ایجاد انگیزه برای دسترسی بیشتر به فرصت‌های اشتغال، بالا بردن کیفیت زندگی افراد، کمک به نیازمندان برای تأمین معاش خود و اطمینان خاطر در مورد آینده، بهره‌وری نیروی کار را افزایش داده و تولید بیشتر و با کیفیت‌تر را موجب شده است. یک واحد افزایش در سرمایه فیزیکی (K)، باعث افزایش بهره‌وری نیروی کار به میزان ۰.۱۵ واحد شده و نشان می‌دهد که سرمایه اثر مثبتی بر تولید متوسط نیروی کار دارد. سرمایه‌های فیزیکی زمانی دارای اثربخشی بیشتری هستند که در افزایش درآمد نیروی کار، بهبود وضعیت اشتغال آنها و شرایط کاریشان نقش سازنده‌ای ایفا نمایند. از نگاهی دیگر، هزینه تأمین اجتماعی می‌تواند در افزایش سطح مهارت‌ها، آموزش‌های حین اشتغال، و تأمین هزینه بهداشت نیروی کار توسط بنگاه‌ها و سازمان‌های مربوطه اثرات مثبتی در مورد نیروی کار شاغل داشته باشد. اثر متغیر مجازی DUM جنگ بر بهره‌وری نیروی کار به دلیل افزایش ریسک‌ها و نااطمینانی‌های ناشی از آن منفی است. نتایج بلندمدت ارتباط بین هزینه‌های تأمین اجتماعی با بهره‌وری عامل کار مثبت، متغیرها با مبانی نظری سازگار و از لحاظ آماری در سطح ۹۵ درصد معنادار می‌باشند. نتایج برآورد بلندمدت الگو به صورت زیر است:

$$RDL(2, 0, 0) : \quad (8)$$

$$APL = 0.56 + 0.16k + 0.21pse - 0.24DUM$$

$$t: \quad (4.61) \quad (3.37) \quad (2.78) \quad (-2.91)$$

تمامی ضرایب مربوط به رابطه بلندمدت در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار هستند. افزایش یک واحد در مخارج تأمین اجتماعی باعث افزایش بهره‌وری نیروی کار به میزان ۰/۰۲۱ واحد می‌شود. تأمین اجتماعی با افزایش امید به زندگی و تهیه امکانات آموزشی در سطوح مختلف،

۱. Schwarz Bayesian Criterion

۲. Serial Correlation

۳. Heteroscedasticity

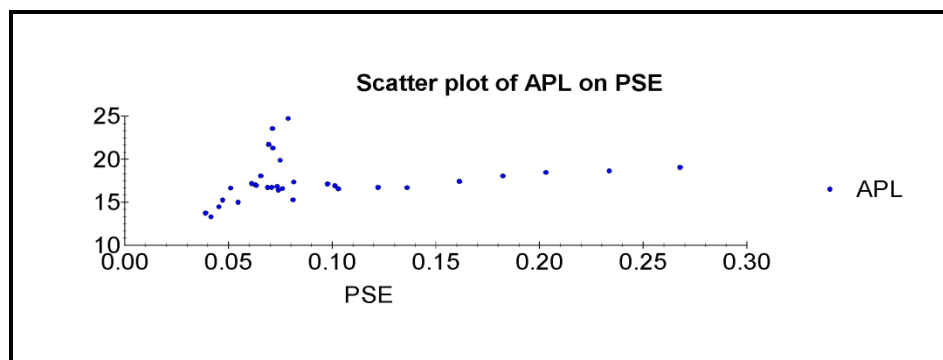
۴. Functional Form

۵. Normality

تأمین مخارج بهداشتی و دسترسی بیشتر به فرصت‌های اشتغال، بالا بردن کیفیت زندگی افراد، کمک به نیازمندان برای تأمین معاش خود و اطمینان خاطر در مورد آینده، بهره‌وری نیروی کار را افزایش داده و تولید بیشتر و با کیفیت‌تر را موجب می‌شود.

ضریب اثرگذاری سرمایه فیزیکی (k) بر بهره‌وری نیروی کار ۰/۱۶ واحد است. سرمایه‌های فیزیکی از طریق ایجاد ظرفیت‌های جدید تولیدی بر بهره‌وری عامل کار اثر مثبت دارد. سرمایه‌های فیزیکی تنها زمانی بیشتر مولد بهره‌وری نیروی کار خواهند شد که در جهت ایجاد شغل، کاهش بیکاری، بهبود شرایط زندگی و افزایش امید به زندگی از طریق تأمین آینده افراد حرکت کند. گسترش پوشش‌های تأمین اجتماعی با ایجاد انگیزه بیشتر برای نیروی کار، آموزش حین کار، جابجایی نیروی کار، ایجاد امنیت شغلی و توزیع عادلانه درآمد بین افراد می‌تواند بر سطح سرمایه انسانی به شکل قابل توجهی تأثیرگذار باشد. نمودار ۱، پراکنش مثبت میان بهره‌وری نیروی کار و مخارج تأمین اجتماعی را نشان می‌دهد.

نمودار ۱. ارتباط میان بهره‌وری نیروی کار و مخارج تأمین اجتماعی



برآورد ضرایب بلند مدت با استفاده از الگوی تصحیح خطا به شکل زیر است :

$ARDL(2,0,0)$:

$$APL = 0.55 + 0.35\Delta APL_1 + 0.15\Delta k + 0.19\Delta pse - 0.23\Delta DUM - 0.61ecm(-1) \quad (9)$$

$$t: \quad (4.60) \quad (2.90) \quad (3.10) \quad (2.20) \quad (-2.12) \quad (-2.44)$$

نتایج مربوط به الگوی تصحیح خطای مدل رشد اقتصادی را در جدول ۳ ارائه کرده‌ایم. تمام ضرایب مدل در سطح احتمال ۹۵ درصد معنا دارند. ضریب تعیین الگو (R^2) ۹۴ درصد بوده و نشان‌دهنده قدرت خوب توضیح‌دهندگی مدل است. ضریب متغیر $ecm(-1)$ ، مقدار با وقفه باقیمانده‌های مدل بلندمدت است. ضریب تصحیح خطا، در صورتی که با علامت منفی ظاهر شود، نشان‌دهنده سرعت تصحیح خطا و میل به تعادل بلندمدت خواهد بود. ضریب تصحیح خطا در این مدل -0.61 بوده و نشان می‌دهد که در هر دوره 0.61 از عدم تعادل بین متغیرهای کوتاه‌مدت و بلندمدت الگو به شرط اعمال سیاست‌های مناسب و مؤثر تعدیل می‌شود. در تفسیر سرعت تعدیل باید محدودیت‌های الگو را در نظر گرفت. حذف عدم تعادل بین متغیرهای کوتاه‌مدت و بلندمدت مشروط به اعمال سیاست‌های مناسب و مؤثر در حوزه تأمین اجتماعی است که برخی از آنها مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

نظام موجود تأمین اجتماعی در ایران در مقایسه با نظام تأمین اجتماعی در کشورهای توسعه‌یافته با سطح پایین کیفیت خدمات، عدم پوشش کامل بیمه‌ها، سطح پایین نیروی کار متخصص، شکاف در منابع درآمدی و مصارف هزینه‌ای روبرو بوده که این عوامل عملکرد و کارایی مطلوب این نظام را متأثر می‌کند. تأمین اجتماعی از طریق توزیع مجدد درآمد، حمایت از شاغلان و امنیت شغلی، بر بهره‌وری نیروی کار و رشد اقتصادی

تأثیر مثبت دارد. افزون‌براین، گسترش پوشش تأمین اجتماعی با افزایش امید به زندگی، بهبود امکانات آموزشی برای نیروی کار و انباشت سطح مهارت، بهره‌وری نیروی کار و به‌دنبال آن درآمد سرانه را افزایش داده است.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش مدت دودرصد (۰/۰۲) و ضریب آن در بلندمدت پنج درصد (۰/۰۵) است. در دوره مورد مطالعه افزایش مخارج تأمین اجتماعی تأثیر مثبتی بر بهره‌وری نیروی کار و رشد اقتصادی داشته است. نتایج بلندمدت ارتباط بین هزینه‌های تأمین اجتماعی با بهره‌وری عامل کار مثبت و متغیرها با مبانی نظری سازگار هستند. مخارج تأمین اجتماعی از طریق غلبه بر مخاطرات ناشی از بیماری، از کارافتادگی، کهولت، بیکاری، فقر معیشتی و کاهش نااطمینانی و مخاطرات حین کار و پس از آن، همچنین، ایجاد محیط امن برای عوامل تولید بر متغیر رشد اقتصادی اثر بخش است.

ارائه پیشنهادات

با توجه به آثار مثبت هزینه‌های تأمین اجتماعی بر بهره‌وری نیروی کار، درآمد سرانه و افزایش رفاه اجتماعی هرگونه سیاست‌گذاری در نظام تأمین اجتماعی در کشورهای در حال توسعه و فقیر باید بر شناخت ارتباطات و سازوکار درونی این نظام متکی باشد. امروزه گسترش حکمرانی شرکت‌ها و افزایش مشارکت کارفرمایان ایجاب می‌کند تا نظام موجود تأمین اجتماعی به عنوان یک بنگاه اقتصادی در ارائه خدمات خود کارایی و رضایت بیمه‌شدگان را جلب نماید. از سوی دیگر، تفکیک وظایف حوزه‌های متنوع و مختلف موجود در نظام تأمین اجتماعی و شفاف نمودن آنها در سازمان‌های وابسته (در سه قلمرو بیمه‌ای، حمایتی و امدادی) می‌تواند کارایی هزینه‌های تأمین اجتماعی را افزایش دهد. بسط و توسعه راهبردهای امور بیمه‌ای به نیروهای شاغل در کشور، اصلاح نظام مالی از طریق تعادل میان منابع و مصارف صندوق‌های بیمه اجتماعی، تعمیم پوشش‌های بیمه‌ای لازم، ایجاد نظام اطلاعاتی جامع بیمه‌ای برای کل جمعیت کشور به‌ویژه در مناطق محروم و بخش روستایی می‌تواند کارایی نظام بیمه‌ای را بهبود بخشد. تسهیل در برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری، نظارت و ارزیابی بخش‌های مختلف نظام تأمین اجتماعی و پیش‌بینی نیازهای آتی جمعیت شاغل از نظر نیاز به خدمات مطلوب بیمه‌ای می‌تواند گام مثبتی در راستای بهبود این نظام در کشور باشد. هماهنگی سیاست‌های نظام تأمین اجتماعی با سیاست‌های کلان اقتصادی در شرایط رونق و رکود اقتصادی می‌تواند در افزایش رفاه گام سازنده‌ای باشد.

منابع

- بلانچارد، اولیور جین، فیشر، استنلی. (۱۳۷۶)، درسهایی از اقتصاد کلان. ترجمه: محمود ختایی و تیمور محمدی. سازمان برنامه و بودجه. پاکباز، خسرو. (۱۳۴۷). بیمه‌های اجتماعی تهران.
- پژویان، جمشید. ۱۳۸۴، اقتصاد بخش عمومی (مالیات‌ها). پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، چاپ سوم، تهران.
- پناهی، بهرام. (۱۳۷۸). فرآیند عملیاتی نظام تأمین اجتماعی. فصلنامه تأمین اجتماعی. سال اول، شماره اول.
- پناهی، بهرام. (۱۳۸۵). کارکردهای تأمین اجتماعی در ایران (ضرورت برپایی نظام تأمین اجتماعی در ایران)، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- جلالی نائینی، قرشی. (۱۳۷۷). پس‌انداز، تله فقر و رشد اقتصادی. فصلنامه تأمین اجتماعی، تهران.
- ستاری فر، محمد (۱۳۷۸). زمینه‌های تاریخی تأمین اجتماعی. فصلنامه تأمین اجتماعی، سال اول، شماره اول.
- Belletini G. and Ceroni C., (۲۰۰۵), Social security expenditure and economic growth, an empirical assessment, Department of economics, University of Bologna.*
- Butare T., (۱۹۹۴), International comparison of social security and retirement funds from the national saving perspective, international social security review, No. ۲, pp ۱۲-۳۳.*
- Cements A. Wigger. Berthold U, (۲۰۰۰), Growth and Social Security, the role of human capital, European Journal of political Economy, vol. ۱۶, pp ۶۷۳-۶۸۳.*
- Chong kee park, (۱۹۷۴), social security Korea, An approach to social –Economic Development; Korea Development institute, Seoul*
- Ebril, liam.p, (۱۹۹۰), social security, demographic trends, and the Federal Budget, working paper, No. ۱۴, IMF.*
- Galenson, (۱۹۶۸), a quantitative approach to social security and Economic Development, pp ۵۱-۶۵*
- Gillon C. and others, Social security Pensions (Development and Reform), ILO, (۲۰۰۰)*
- John b. Burbidge, (۱۹۸۷) Social Security and Saving Plan in Overlapping Generation Models.*
- Lampman, (۱۹۶۸), the investment of social security in reserves and development problems, United States printing office, Washington D.C.*
- Paddison O. and Docquier F., (۲۰۰۳), Social security benefit rules, growth and equality, Journals of Macroeconomics, pp. ۴۷-۷۱*
- Schamahi Winfried, (۱۹۸۸), Economic and social aspect of social security financing, pp ۱۳-۷۰, ISSA, Geveva.*
- Seidman, Funding Social Security: A Strategic Alternative, (۱۹۹۹), chaps: ۲.*

The Analysis of Social Security expenditure on labor productivity and Economic growth in Iran

Bijan Baseri Ph.D¹

Pouria Emady M.A²

Abstract

The main purpose of this paper is to investigate the social security expenditure on labor productivity and economic growth in Iran. Social security's plays a crucial role in employment productivity and contributes to economic growth indirectly. This article concentrates on the measurement of social security expenditure effect on labor productivity and economic growth in Iran during ۱۹۷۵-۲۰۰۶. Based on ARDL methods, we found a positive and significant relation between per capita social security expenditure and labor productivity. The estimated coefficient in short run is two percent (۰.۰۲) and in long run is five percent (۰.۰۵). The magnitudes of estimated coefficient are low level in two cases. Based on these findings, the government should enhance the quality of social security services in the labor market to increase labor productivity and improve economic growth.

JEL Classification: O۴۰, J۲۴, H۵۵

Keywords: Social Security Expenditure, Economic Growth, Labor Productivity

¹. Assistant Professor, Islamic Azad university, Central Tehran branch

². M.A. in Economics

